

## فهرست مطالب

| صفحه       | عنوان  |
|------------|--|
| د.....     | چکیده.....   |
| ه.....     | پیشگفتار.....  |
| و-ز.....   | مقدمه.....   |
| ح-ط.....   | کلیات.....   |
| ۴-۲۹.....  | فصل اول: بررسی عصر عباسی اول و زندگی نامه ابونواس..... |
| ۵-۶.....   | ۱-۱. اوضاع سیاسی عصر عباسی.....                        |
| ۷.....     | ۲-۱. اوضاع اجتماعی عصر عباسی.....                      |
| ۷-۸.....   | ۱-۲-۱. زندگی اشرافی و فقیرانه.....                     |
| ۹-۱۰.....  | ۲-۲-۱. تأثیر غلامان و کنیزان آواز خوان.....            |
| ۱۰-۱۱..... | ۳-۱. اوضاع فرهنگی و علمی عصر عباسی.....                |
| ۱۲-۱۵..... | ۴-۱. زندگی نامه ابونواس.....                           |
| ۱۵-۱۶..... | ۵-۱. آشنایی ابونواس با والده.....                      |
| ۱۶-۱۷..... | ۶-۱. ابونواس و خلفای عباسی.....                        |
| ۱۷-۱۸..... | ۷-۱. ابونواس و زندقه.....                              |
| ۱۹-۳۱..... | ۸-۱. ابونواس و شعوبیه.....                             |
| ۲۱-۲۳..... | ۹-۱. عقیده و مذهب ابونواس.....                         |
| ۲۳-۲۷..... | ۱۰-۱. ابونواس و مجون.....                              |
| ۲۷-۲۹..... | ۱۱-۱. شخصیت ادبی کم نظیر ابونواس.....                  |

|        |   |
|--------|---|
| ۷۶-۳۰  | فصل دوم: نوگرایی در مضمون                       |
| ۳۲-۳۱  | ۱-۲. موضوعات جدید شعر ابونواس                   |
| ۳۶-۳۲  | ۱-۱-۲. نوگرایی حاصل از موضوعات سنتی             |
| ۴۱-۳۴  | ۲-۱-۲. نوگرایی حاصل از فلسفه و تمدن های جدید    |
| ۴۲-۴۱  | ۲-۲. موضوعات قدیمی شعر ابونواس در قالب های سنتی |
| ۴۴-۴۲  | ۱-۲-۲. مدح                                      |
| ۵۱-۴۴  | ۲-۲-۲. هجا                                      |
| ۵۳-۵۱  | ۳-۲-۲. رثاء                                     |
| ۵۶-۵۴  | ۴-۲-۲. زهد                                      |
| ۵۹-۵۶  | ۵-۲-۲. غزل مؤنث                                 |
| ۶۶-۵۹  | ۶-۲-۲. خمريات                                   |
| ۶۹-۶۶  | ۷-۲-۲. طردیات                                   |
| ۷۴-۶۹  | ۸-۲-۲. غزل مذکر                                 |
| ۷۶-۷۴  | ۹-۲-۲. شعر تعلیمی                               |
| ۱۳۷-۷۷ | فصل سوم: نوگرایی و تجدید در شکل                 |
| ۷۹-۷۸  | ۱-۳. واژگان                                     |
| ۹۴-۸۹  | ۲-۳. فارسیات                                    |
| ۹۶-۹۴  | ۳-۳. تعابیر                                     |
| ۹۷-۹۶  | ۴-۳. اسلوب                                      |
| ۱۰۰-۹۷ | ۱-۴-۳. جدّ و هزل                                |

- ۱۰۳-۱۰۰..... ۲-۴-۳. اغراق ( مبالغه )
- ۱۰۶-۱۰۳..... ۳-۴-۳. اقتباس
- ۱۱۱-۱۰۶..... ۴-۴-۳. سخریه
- ۱۱۲-۱۱۱..... ۵-۴-۳. تصویر کاریکاتوری
- ۱۱۶-۱۱۲..... ۶-۴-۳. گفتگو و قصه
- ۱۲۲-۱۱۷..... ۷-۴-۳. مقدمه خمربه طللیه
- ۱۲۵-۱۲۲..... ۵-۳. وحدت فنی ( انسجام درونی )
- ۱۲۵..... ۶-۳. قافیه ها و وزن ها
- ۱۲۹-۱۲۵..... ۱-۶-۳. اوزان شعری
- ۱۳۱-۱۲۹..... ۲-۶-۳. قوافی
- ۱۳۵-۱۳۲..... ۷-۳. صور خیال
- ۱۳۷-۱۳۶..... ۸-۳. محسنات بدیعی
- ۱۴۰-۱۳۸..... نتیجه گیری
- ۱۴۸-۱۴۱..... الخلاصة العربية
- ۱۴۹..... فهرست اعلام
- ۱۵۰..... فهرست منابع فارسی
- ۱۵۵-۱۵۱..... فهرست منابع عربی
- ۱۵۶..... چکیده انگلیسی

## چکیده

این پایان نامه با هدف شناخت جنبه های نوگرایی شاعر شهیر عصر عباسی اول ، حسن ابن هانی الاهوازی ، ملقب به ابونواس صورت پذیرفته است .

به این ترتیب که اوضاع و احوال سیاسی عصر شاعر را که بین سال های ۱۳۲هـ تا ۲۳۳ هـ ق بود ، مورد بررسی قرار دادیم سپس به توصیف اوضاع اجتماعی آن دوره که آمیزه ای از اشرافیت و فقر بود پرداختیم و به طبع آن اوضاع فرهنگی و علمی را که متأثر از دو عامل سیاسی و اجتماعی بود ؛ مطرح ساختیم .

اشاره به زندگی نامه ابونواس و ارتباط وی با اساتید مختلف ، خلفای عباسی و اتهامات وارد شده به او مبنی به شعوبی گری و زندقه و عنوان کردن دیدگاه منتقدان نسبت به شخصیت ابونواس و جایگاه شعری او از جمله بخش های این پایان نامه است .

در ادامه ی پایان نامه جنبه های نوگرایی ابونواس را که شامل مضمون و شکل شعر می شد ، بیان کردیم و تجدید در مضامین را با نوگرایی در موضوعات شعری قدیم و جدید همچون مدح ، رثا ، هجو ، غزل ، خمر ، طرد و شعر تعلیمی پی گرفتیم و از تجدید در شکل با عناوینی چون نوگرایی در الفاظ ، تعبیر ، اسلوب ، اوزان ، قوافی و ... سخن راندیم .

در بخش های مختلف پایان نامه و بنا به فراخور حال از ابیاتی به عنوان شاهد مثال بهره بردیم و سعی نمودیم تا با ترجمه ی ابیات و واژگان دشوار آن همراه باشد.

کلیدواژه : ابونواس ، عصر عباسی ، نوگرایی ، مضمون شعر و شکل شعر

## پیشگفتار

زمانی که اوضاع سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی عصر یا دوره ای ، دستخوش تغییر و دگرگونی شده و رو به بهبودی می گذارد ، طبیعتاً اوضاع فرهنگی و فکری نیز دستخوش تحول خواهد شد و از آن جایی که شعر و ادب جز مقولات فرهنگی است پس از این تغییر و تجدید بی نصیب نخواهد ماند.

لذا بر آن شدیم تا پاسخ سوال های زیر را بیابیم :

آیا نوگرایی ابونواس محدود به خمربیات و غزلیات و طردیات او می شود؟ چرا منتقدان و نویسندگان عرب ، کمتر به بررسی و نقد شعر او پرداخته اند و جنبه های هنری شعر او را در نظر نگرفته اند ؟ اگر ملاک ماجن بودن او صرفاً غزلیات مذکر اوست پس چرا با وجود اشعار زهدی و تعلیمی، راجع به شخصیت او قضاوت نمی کنیم ؟

ما دریافتیم که نوگرایی منحصر به خمربیات و غزلیات و طردیات او نیست بلکه شامل ابعاد و جنبه های بسیاری می شود که تاکنون اهمیتی به آن ها داده نشده است ؛ و نیز ابونواس شخصیتی هرزه نبوده است و این گونه اشعار را به دلیل رسالت هنری خویش سروده است و علت مطرح شدن برخی اتهامات در باره ی او و نادیده انگاشتن جنبه های هنری شعر او ، به خاطر حب و بغضی است که به او روا می داشتند . و جای شک نیست که اگر فردی ذاتاً ماجن و هرزه باشد ، هرگز مفاهیم بلند زهدی و تعلیمی و حکمی به ذهنش خطور نمی کند .

روش انجام این پژوهش را بر اساس تفحص در متون ادبی قرار دادیم و به زندگی نامه و شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ابعاد مختلف نوگرایی ، در ضمن اشعاری به عنوان شاهد مثال ، اشاره نمودیم .

هر تحولی که در عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فکری و فرهنگی رخ می دهد، می توان انعکاسش را در شعر و ادب آن دوره دید چرا که شعر آینه ای تمام نما، برای انعکاس اوضاع و احوال جاری هر عصری است.

عصر عباسی اول از عصرهای پرافتخار تاریخ عربی است چون بسیاری از تحولات و پیشرفت ها در این عصر اتفاق افتاد و این را از نامیده شدن این عصر به «عصر طلایی» می توان دریافت؛ در این بین شاعرانی که از محیط جدید به شدت تأثیر پذیرفته بودند، سعی در بازتاب آن، در شعر خود داشتند.

شعر ابونواس به بهترین شکل ممکن این تحولات را به تصویر کشیده است زیرا خواننده با خواندن یکی از اشعار وی متوجه تغییراتی اساسی، به لحاظ موضوع، محتوا و شکل می شود.

در این پایان نامه سعی نمودیم تا جنبه های نوگرایی ابونواس را به عنوان «شاعر تجدید» بررسی نماییم چرا که او به حق، مبدع و مؤسس موضوعات شعری جدید و الفاظ و واژگان نو و اسالیب و تعبیر تازه است؛ علاوه بر آن تلاش کردیم تا خواننده ی این پایان نامه متوجه شود که ابونواس همان شخصیت ماجن و هرزه ای نیست که غالباً از او با این عنوان یاد می شود بلکه شاعری است که تاریخ ادب عربی، نظیر او را کمتر دیده است و لذا به جنبه ی هنری شعر او پرداخته ایم و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده ایم.

به همین منظور پایان نامه را در سه فصل کلی تدوین کردیم به این ترتیب که فصل اول را به شناخت شاعر و عصر او اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فکری و علوم مختلفی که شاعر از آنها بهره برده و همچنین ارتباطش با خلفاء و امراء عباسی اختصاص دادیم و عواملی را که به شکل

چشمگیری در تجدید این عصر نقش داشت ، ذکر نمودیم و حتی المقذور از طرح مباحثی که با نوگرایی ارتباطی نداشت و یا باعث اطاله کلام می شد اجتناب کردیم .

در فصل دوّم ، نوگرایی در مضمون شعری را در دو حوزه ی موضوعات شعر قدیم وموضوعات شعر جدید که شامل مدح ، هجا، زهد، رثا ، طرد، غزل مذکر ، خمر و شعر تعلیمی می شد ، بررسی نموده و به طور مجزا به هر یک از آنها و البته با ذکر ابیاتی به عنوان شاهد مثال استناد نمودیم .

فصل سوّم را به نوگرایی در شکل اختصاص دادیم و به بررسی تجدید درحوزه واژگان ، تعبیر ، اسالیب، محسنات بدیعی و اوزان و قافیه ها و ... پرداختیم .

لازم به ذکر می دانیم که عنوان کنیم در تمام مراحل پایان نامه قصد داشتیم به شخصیت ادبی و هنری او بپردازیم و جنبه های نوگرایی او را مطرح کنیم .

امید است که توانسته باشیم نقش این شاعر بزرگ و اثر گذار در پیشرفت شعر عربی را روشن نماییم ، هر چند که باوجود وسواس بسیار در گزینش مطالب ، احتمال خطا و اشتباه غیر ممکن نیست.

## کلیات

تعریف مسأله :

تجدید و نوگرایی در شعر ، علاوه بر این که ضامن بقا و طراوت ادبیات می باشد ، می تواند مظاهر متفاوتی از قبیل قیام علیه ستم های کهن و ملال انگیز شعر و نیز بهره برداری مطلوب از محیط فرهنگی و اجتماعی جدید داشته باشد که سبب می شود موضوعات و افکار جدیدی در عرصه شعر قدم گذارد و ابونواس ، به حق یکی از پایه گذران مکتب تجدید و نوگرایی بود.

بیان سؤال های اصلی پژوهش :

(۱) آیا ابونواس فقط در چند زمینه ی خاص به نوگرایی و تجدید پرداخته است یا این که شامل موارد

بیشتری می شود؟

(۲) ابونواس با مطرح کردن موضوعاتی چون غزل مذکر، خمربیات ، هجویات سیاسی و ... چه هدفی را

دنبال می کرده است ؟

(۳) چه عاملی باعث کم توجهی به ارزشهای هنری و ادبی شعر او از سوی منتقدان شده است ؟

فرضیه های پژوهش :

ابونواس در تمام موضوعات سنتی و جدید شعر، نوآوری و ابتکار ایجاد نموده است و به عنوان

شاعری واقع گرا ، با مطرح کردن برخی مسائل غیر اخلاقی سعی در بیان واقعیات جامعه ی عباسی

داشته است.

هدف های پژوهش :



هدف از این پژوهش علاوه بر معرفی هرچه بیشتر و بهتر ابونواس ، شناخت جنبه های نوگرایی و نوآوری وی می باشد ضمن این که قصد داریم تا او را به عنوان شخصیت ادبی کم نظیری معرفی نماییم که توانست شعر عربی را از رکود و جمود رهایی بخشد .

روش انجام پژوهش:

تلاش شده است تا نوگرایی وی را در دو حوزه ی موضوعی و ساختاری مورد بررسی قرار دهیم و برای این منظور ضمن عنوان نمودن هر یک از جنبه های نوگرایی ابونواس به برخی از ابیات او به عنوان شاهد مثال استناد شده است .

## فصل اول

بررسی عصر عباسی اول و زندگی نامه ی

ابونواس

## ۱-۱. اوضاع سیاسی عصر عباسی

عصر عباسی اوّل کاملاً متفاوت با عصرهای پیشین، یعنی جاهلی و اموی بود و این را می توان از نامیده شدن این عصر به «عصر طلایی» به خوبی فهمید. دوره جاهلی و اموی در تمام زمینه های اجتماعی و فرهنگی، شکلی کاملاً عربی داشت و این در حالی است که دوره عباسی رنگ و بویی غیر عربی - البته به جز حوزه زبانی - به خود گرفته بود و این اتفاق مهم و تأثیر گذار بر ادبیات عرب بر اثر اختلاط اعراب با سایر فرهنگها و اقوام و خصوصاً ایرانیان صورت پذیرفت و باعث شد که بسیاری از علوم و فنون و امور مملکت داری و اصطلاحات مربوط به آن ها به زبان عربی راه یابد. (شلق، ۱۹۶۴م، ص ۲۱)

عصر عباسی حدوداً ۵ قرن دوام داشت که از سال ۱۳۲ هـ شروع و تا سال ۶۵۶ هـ که بغداد به دست هولاکو سقوط کرد ادامه پیدا کرد. صاحب نظران و تاریخ نویسان، این عصر را به چهار دوره تقسیم نموده اند: (زیدان، ۱۹۹۲م، ج ۲ ص ۱۰)

عصر اول: از سال ۱۳۲ هـ تا سال ۲۳۲ هـ را شامل می شود که هم زمان با خلافت متوکل بود و همین دوره ی اوّل را «عصر طلایی» نامیده اند چرا که در این دوران بغداد به اوج عظمت و شکوفایی خود رسید.

عصر دوّم: از سال ۲۳۲ هـ جری یعنی زمان خلافت متوکل آغاز شده و تا سال ۳۳۴ هجری که زمان استقرار دولت بویه بود ادامه یافت. این دوره «عصر سیادت ارتش» نامیده شد که انتقال پایتخت از بغداد به سامرا به دستور معتصم نیز در این دوره رخ داد.

عصر سوم: از سال ۳۳۴ هـ که سال حکومت بویهیان بود شروع شد و تا سال ۴۴۷ هجری که هم زمان با ورود سلجوقیان به بغداد بود ادامه یافت. البته این دوره را نیز «عصر طلایی علم» نامیده

اند چرا که بسیاری از علوم ، همچون تاریخ ، جغرافیا ، فلسفه ، ادبیات و ... در آن نضج گرفت و به

شکوفایی رسید (زیدان ، ۱۹۹۲م ، جلد ۳ ص ۲۳۶)

عصر چهارم : از سال ۴۴۷ هجری یعنی ورود سلجوقیان به بغداد شروع شد و با سقوط آنان توسط مغولان در سال ۶۵۶ هجری به پایان رسید . البته باید به این نکته توجه داشت که شاعر مورد نظر ما یعنی « ابونواس » در عصر اوّل عباسی اوّل می زیسته است . در این دوره بود که پایتخت خلافت اسلامی از سوریه به عراق منتقل شد . خلیفه عباسی مانند خلیفه اموی یک فرد عادی نبود که فقط ، مقام خلافت ، وی را از دیگران متمایز کند چرا که از وزیر و حاجب و خدم و حشم برخوردار بوده و غالب آنان از ذوق ادبی برخوردار بودند و امور سیاسی و تشکیلات اداری و درباری اعراب ، رنگ ایرانی به خود گرفته بود . ( جاحظ ، ۱۹۸۲م ، ص ۱۶۲-۱۶۰ ) و وزراء و کارداران را از عجم برمی گزیدند مانند بنی برمک و بنی سهل و بنی طاهر ( ابن خلدون ، ج ۱ ، ص ۳۶۱ ) می توان گفت که در انتقال دولت اموی به عباسی علاوه بر از دست رفتن پایگاه اجتماعی حکومت اموی ، انقلاب های متواتری که برعلیه بنی امیه صورت می گرفت که غالباً هم با انگیزه های اجتماعی و دینی صورت می گرفت ، نقشی مهم و تأثیر گذار داشت .

خلافت بر مسلمین با سرنگونی مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی توسط ابوالعباس السفاح در جنگ « الزاب » در سال ۱۳۲ هجری به پایان رسید و حکومت بنی عباس منتقل شد و بعد از او به ترتیب ابو جعفر منصور ، و بعد مهدی و سپس هارون الرشید و مدتی امین و بعد مامون و بعد معتصم و پس از وی نیز فرزندش الواثق بالله و نهایتاً به متوکل انتقال یافت .

## ۱-۲. اوضاع اجتماعی عصر عباسی

شکل زندگی اجتماعی در عصر عباسی اول بسیار متفاوت با عصرهای پیش از آن بوده بسیاری از عادات و روش های اجتماعی و سیاسی ، برگرفته از سایر تمدن ها و فرهنگ ها بود و می توان گفت هم در این دوره و هم پیش از آن اعراب تنها گیرنده فرهنگ بودند . با توجه به گستردگی موضوع و برای منحرف نشدن از چارچوب اصلی تحقیق ، در این مجال کوتاه ، مهمترین جنبه های اجتماعی را که نقشی اساسی در نوآوری در شعر این دوره به شکل عام و نیز در شعر ابونواس - البته به شکل خاص - داشته ، می پردازیم ، بدیهی است که برای اطلاعات بیشتر باید به منابع و مراجع مربوط مراجع کرد.

### ۱-۲-۱. زندگی اشرافی و زندگی فقیرانه :

در عصر عباسی اول ، فراخی و رفاه خاصی در زندگی خلفاء و حکماء و قدرتمندان رواج داشت و به تبع آنان طبقه مرفه مردم نیز غرق در خوشگذرانی و اتلاف مال بودند . به عقیده ی احمد امین (امین ، ۱۹۸۹م ، ج ۱ ، ص ۱۱۱) این مسأله دلایلی بسیار داشت که مهمترین آن ها را می توان چنین برشمرد :

۱- بر اساس نظم و انضباط ایجاد شده در کارهای دولت و مردم ، ثروت زیاد شده بود.

۲- قدرت و تسلط ایرانی ها که از قدیم شیفته خوشی و شادی و شراب خوری بودند گسترش

یافته و هم اینان بودند که این عادات را در جامعه ی عباسی رواج دادند.

۳- سرشت و خصلت ذاتی امراء و حکماء عباسی که ذاتاً به امور لهو و لعب متمایل بودند، سبب

شده بود تا اموالشان را به عنوان صلّه به شاعران و اندیشمندان و خوانندگان هدیه کنند . علاوه بر این

دلایل سه گانه ، بر اثر نفوذ ایرانیان در دستگاه حکومت عباسی، عادات و روش های ایرانی تقریباً در

همه جنبه های زندگی آنان ، مانند لباس ، خوراک ، ساخت و ساز ، به کارگیری ظروف مختلف و

همچنین جشن های ایرانی ؛ مثل عید نوروز و مهرگان نیز به جامعه ی اعراب راه یافته بود . از طرف دیگر سرگرمی هایی چون اسب سواری ، کبوتر بازی ، چوگان ، شطرنج و نرد در این دوره رواج یافت . از جمله وسایل خوش گذرانی ، که خلفاء و امراء به شدت دوستدار آن بودند ، شکار کردن بود که علاوه بر این که سرگرمی تفریح و ورزش محسوب می شد ، منبعی برای تامین درآمد نیز بوده که بعدها تبدیل به یکی از فنون شعری در این دوره شده است . گفته شده که رشید اولین خلیفه ایست که به بازی شطرنج ، چوگان و تیزاندازی به هدف در هوا و بازی با توپ و راکت پرداخته است . ( بکار ، ۱۹۷۰م ، ص ۳۶ )

مسئله وقتی که شرایط حاکمان یک جامعه چنین باشد، پس طبیعی است که مردم آن جامعه نیز به سمت خوشی و رفاه طلبی رو آورده و به خوشگذرانی بپردازند چرا که به حق گفته شده « الناس علی دین ملوکهم » بدیهی است زمانی که ثروت و رفاه در یک بخش جامعه متمرکز شود ، بدون شک در بخشی دیگر فقر و بدبختی دامن گیر عده ای که تعدادشان کم نخواهد بود می شود . چنان چه بر جامعه ی عباسی هم ، چنین شرایطی حاکم بود یعنی غالب مردم در فقر و تنگدستی به سر می بردند .

این نوع زندگی، شکل گیری دو حرکت عمده را در تاریخ این عصر در پی داشت : یکی ظهور گروهی از فاسقان و اشرار و دیگر ظهور حرکت زهد و پارسایی ، که هر کدام از این دو ، تأثیر خاص خود را بر جامعه عباسی داشتند .

## ۱-۲-۲. تأثیر غلامان و کنیزکان و آوازخوانان :

در این عصر به سبب وجود تعداد زیاد اسیران جنگی و خرید و فروش آنان در جامعه اسلامی، حضور بردگان رو به گسترش نهاد، تا جایی که خیابانی را در بغداد به نام « خیابان برده » نام گذاری کرده بودند (همان، ص ۵۶) این بردگان و کنیزکان، غالباً از کشورهای مختلف به اسارت گرفته می شدند و در اختیار خلفاء و امراء قرار می گرفتند، البته رشید تنها خلیفه ای بود که بیشترین آن ها را در اختیار داشت طوری که گفته شده هنگامی که آهنگ کاری داشت، چهارصد برده و کنیز همراه او بودند. (بکار، ۱۹۷۰م، ص ۵۶ به نقل از الاغانی، ج ۵، ص ۲۱۸) مشهور است که معتصم با داشتن برده ی ترکی مشعوف می شده و امین به حدی شیفته ی آنان بوده که مورد اعتراض اطرافیانش قرار می گرفت. (همان، ص ۵۷ به نقل از رسائل حاظر ص ۲۷۴)

برای اشاره به میزان تأثیر حضور این کنیزکان و بردگان در دستگاه عباسی، کافی است که متذکر شویم اکثر خلفای عباسی فرزندان این کنیزکان بودند همچون یزید بن ولید که مادرش ایرانی بود، مروان بن محمد مادرش کردی بود، ابوجعفر منصور مادرش بربر و مادر هادی و رشید، خیرزان بود که نژادی رومی داشت. (امین، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۱۱) دستگاه عباسی به آموزش این بردگان و کنیزکان اهتمام بسیاری داشت و بیشترین همت خود را صرف آموزش آواز و موسیقی کنیزکان می کرد. به همین دلیل در این عصر خوانندگان مرد و زن در اماکن عمومی، خیابان ها، کوچه ها و قصرهای خلفاء بسیار به چشم می خورد. (همان، ج ۱، ص ۸۹، به نقل از الاغانی. ۱۲۸۷) البته در این دوره آواز و موسیقی تأثیر به سزایی در زندگی مردم داشت، طوری که تا حد زیادی آن ها را به خود مشغول ساخته بود.

بنابراین می توان گفت : درست است که این کنیزکان و بردگان اثر مثبتی در جامعه نداشتند ، اما در گسترش فسق ، هرزگی ، انواع خوشی ها و لهو و لعب تأثیری انکار ناپذیر داشتند . ( بکار ، ۱۹۷۰ ، ص ۳۷ ) به این ترتیب بود که از عمده عوامل نوگرایی و تجدید در این دوره نیز محسوب می شدند چرا که به اعتقاد احمد امین این کنیزکان ، نوع جدیدی از فرهنگ و تمدن را که مشابهش در دوره عباسی دیده نمی شد ، به وجود آوردند و گسترش دادند که همان « فرهنگ و هنرهای زیباست » و حقیقتاً بزرگترین عامل در رشد و گسترش « حس زیبا شناسی » بود چرا که مردم نه فقط از جنبه ی زیبایی ظاهری بلکه از جنبه ی زیبایی فنی و ادبی به آن ها ، متمایل می شدند و از این طریق بین دو جمال خلقی و فنی آمیختگی ایجاد می کردند . با این اوصاف از جمله فنون شعری که توسط این عده رایج گشت « فن غناء » بود که توأم با ظرافت و لطافت بود و مردم سعی در تقلید آن داشتند ( امین ۱۹۸۹م ، ج ۱ ص ۹۲-۹۷ ) و این امر حاکی از تأثیر بسیار این کنیزکان و بردگان بر شعر و شاعران است .

### ۱-۳. اوضاع فرهنگی - علمی عصر عباسی

در پی آیند و روند مردم با نژادهای متفاوت در داخل مملکت اسلامی و همچنین آمیختگی و اختلاط اعراب با سایر اقوام ، از طریق فتوحات صورت گرفته و نیز از راه خویشاوندی با آن ها ، فرهنگ و تمدن های متفاوتی در دوره ی عباسی نضج گرفت . شوقی ضیف معتقد است ( ضیف ، ۱۹۶۶م ، ص ۹۴ ) در این دوره به سبب کشور گشایی های صورت گرفته و وسعت مملکت اسلامی بسیاری از اقوام ملل دیگر تبدیل به اعراب مسلمان شدند و طبیعی است که همراه این اختلاط قومی ، فرهنگ مخصوص آنان نیز در بین اعراب رخنه و رسوخ کند و به فرهنگ اسلامی راه یابد . مهمترین این فرهنگ ها ، فرهنگ هندی ، یونانی و ایرانی بود . برای مثال تأثیر فرهنگ هند در حوزه ی الهیات یا مقالات دینی و علم ریاضی یا حساب و علم نجوم پر رنگ بود و از همین قبیل است تأثیر فرهنگ



یونانی در حوزه ی فلسفه ، ستاره شناسی ، ریاضیات ، علوم طبیعی ، پزشکی ، ادبیات و مجسمه سازی . (امین، ۱۹۸۹، ج ۱، ص، ۴۳۵).

اما تنها چیزی که هیچ مجالی برای شک و تردید درباره ی آن وجود ندارد، تأثیر زبان و فرهنگ فارسی بر فرهنگ عربی است، تأثیری که به جهت تعدد و تکرر حوزه بحث از پرداختن به آن اجتناب می کنیم و به جمع بندی اوضاع فرهنگی این عصر می پردازیم . بنابراین با نگاهی به غالب اشعار این دوره خصوصاً کسانی چون ابونواس و بشار می توان به عمق نفوذ الفاظ و واژگان ایرانی در تمام حوزه ها همچون انواع زینت آلات ، انواع خوراکی ها ، انواع پوشش ها و آلات موسیقی پی برد .

علاوه بر این ، بخش اعظمی از فرهنگ و تمدن هندی توسط ایرانیانی که تاحدی آمیختگی فرهنگی با هندیان داشتند به فرهنگ عربی یا همان اسلامی منتقل شد البته ایرانیان هم طوری به یادگیری زبان عربی روی آوردند که کاملاً در آن تبحر یافتند و این نشان از خدمات متقابل بین فارسی زبانان و اعراب دارد ، (مطهری ، ۱۳۶۰ هـ ش، ص ۲۱) چرا که با تعمق و مطالعه دقیق آثار اغلب شاعران و نویسندگان و اندیشمندان مطرح متوجه می شویم که غالب آنان فارسی الاصل بودند.

حرکت علمی و رشد روز افزون آن در عصر عباسی ، که شروعش هم زمان با ظهور اسلام بود و تا پایان قرن اول هجری ادامه داشت ، از دو راه خاص و ویژه که در زیر خواهد آمد روند روبه رشد خود را پیمود :

۱- از راه گفتگو و ارتباط با ملت های تازه مسلمان

۲- از راه ترجمه ی متون و آثار علمی و ادبی سایر اقوام . ( ضیف، ۱۹۶۶م، ص ۱۰۹) البته از میان عواملی که بیشترین تأثیر را بر شکوفایی نهضت علمی و ادبی داشت ، می توان به دو عامل زیر اشاره نمود :

۱- مورد تشویق قرار گرفتن اندیشمندان و شاعران از جانب خلفای عباسی و اهدا نمودن هدایای قابل توجه به این طبقه ی خاص .

۲- برپایی جلسات و نشست هایی که توسط خود شاعران و نویسندگان در منازل شان صورت می گرفت. (بکار، ۱۹۷۰، ص ۵۸ به نقل از الاغانی ج ۳ ص ۱۴۳)

البته باید به این نکته ی مهم نیز اشاره داشت که محیط علمی حاصل از اختلاط اقوام مختلف در ادبیات این عصر تأثیر زیادی داشت ، برای نمونه می توان به ورود واژگان و عبارات و معانی فلاسفه و متکلمین در شعر و نثر این دوره اشاره کرد که این مسأله را منتسب به گروهی تحت عنوان معتزله و سایر صاحبان مذاهب و ادیان می دانند که تأثیری انکار ناشدنی در عقلانی کردن شعر داشتند . ( همان ، ص ۵۹ ، ص ۱۱۹)

#### ۱-۴. زندگی ابونواس

حسن بن هانی اهوازی ، در سال ۱۴۵ هجری قمری در یکی از روستاهای خوزستان به نام سوق اهواز چشم به جهان گشود . درباره محل تولد وی اقوال فراوانی وجود دارد اما اکثر مورخان از جمله خطیب بغدادی بر این باروند که وی در اهواز متولد شده است . (بغدادی ، ج ۷، ص ۴۳۶)

پدرش هانی ، نژادی عرب داشته و از سپاهیان مروان بن محمد آخرین فرمانروای اموی بود . مادرش گلبان نام داشت که نژادی فارسی داشت . زمانی که پدر ابونواس همراه سپاهیان مروان در اهواز مستقر شدند با گلبان آشنا شد و با وی ازدواج نمود . حاصل ازدواجشان چندین فرزند بود که یکی

از آنان ابونواس بود . خانواده ابونواس از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار نبودند و جزو طبقه ی مرفه جامعه محسوب نمی شدند . ابونواس در ابتدا با کنیه ابوعلی در بین مردم شناخته می شد اما بعدها با کنیه «ابونواس» مشهور گشت . این لقب را یکی از همسایگانش در بصره به خاطر گیسوان بلندی که بر دوشش رها بود به او داد . {ابونواس : گیسوانی که بر دوش رها شده است } البته نقل دیگری که در رابطه انتخاب لقب « ابونواس» وجود دارد این است که توجه به علاقه بسیار « خلف احمر» نسبت به حسن به هانی ، روزی به او گفت : تو که از اشراف یمن هستی پس باید یکی از اسم هایی که در ابتدای آن « ذو» وجود دارد برگزینی مثل ذوجلدن ، ذویزن و یاذونواس و حسن بن هانی ، ذونواس را به عنوان کنیه خود برگزید.

وی پدرش را خیلی زود یعنی در ۲ سالگی از دست داد . البته پیش از آنکه دو سالگی اش به اتمام برسد به بصره مهاجرت کردند و ابونواس در آنجا مراحل رشد و نمو خود را گذراند (زیدان، ۱۹۹۲م، ج ۲ ص ۶۰) در این مدت مادرش به دلیل فقر و تنگدستی وی را نزد عطاری برد و به او سپرد تا این حرفه را به ابونواس بیاموزد اما تمایل و علاقه ابونواس به حرفه دیگری بود.

اکنون باید بگوییم با توجه به اوضاع فرهنگی بصره که در بخش پیشین اشاره کردیم ، بصره تبدیل به یکی از مهمترین مراکز علم و فرهنگ و ادب شد و محدثین و راویان و نحویان مشهوری در این شهر زندگی کرده و به کسب علم می پرداختند و جوانان نیز به این افراد مراجعه می کردند.

ابونواس در عنفوان نوجوانی از فرهنگ دینی گسترده ای برخوردار بود چرا که در پی کسب علوم دینی به دنبال بزرگان این علم بود . مثلاً قرآن را نزد یعقوب بن اسحاق و حدیث را نزد حماد بن زید البصری و معتمد ابن سلیمان و نحو را نزد ابوزید آموخت (بغدادی ، ج ۷، ص ۴۳۶) . بعدها ، هر زمان که شعری به دستش می رسید و یا از جایی می شنید وجودش از لذت سرشار می شد و با

معانی و مفاهیم آن انس و الفتی خاص پیدا می کرد و اگر در جایی محفلی ادبی برپا می شد در آن جا حضور پیدا می کرد و از آن محفل استفاده می برد .

با توجه به اشتیاقی که به کسب علم داشت می توان به جد گفت که هرگز در کسب علم و ادب از هیچ کوششی فروگذار نکرد . ابن معتز درباره ی این خصلت ابونواس گفته است : ابونواس ، عالم ، فقیه ، عارف به احکام و فتاوی و آگاه به موارد اختلاف احکام بود ، صاحب ذوق و شناخت روش های حدیث بود ، ناسخ قرآن را از منسوخ آن و محکم قرآن را از متشابه آن تشخیص می داد . (ابن معتز ، ص ۲۰۱) ابن منظور می گوید: « ابونواس قصیده را می سرود و سپس چند روزی به آن فکر نمی کرد بعد از مدتی شعرش را خوب مورد نقد و بررسی قرار می داد و بخش هایی از آن را حذف می کرد و دل نشین ترین ابیات آن را باقی می گذاشت و در واقع هر چه به ذهنش خطور می کرد ، انشاد نمی نمود . (شلق ، ۱۹۶۴م، ص ۵۰۴)

ابوعبیده نیز درباره ابونواس می گوید : « جایگاه ادبی ابونواس در بین محدثین، مانند جایگاه امرؤالقیس نسبت پیشینیان است چرا که ، او تنها کسی است که توانست بنای تجدید و نوآوری را بنیان کرده و شاعران را به سوی معانی جدید رهنمون سازد. (الشعکة ، ۱۹۸۶م، ص ۶۰)

جاحظ نیز بر این عقیده است که عالم تر از ابونواس در علم لغت وجود ندارد . علاوه بر تلاشی که ابونواس برای کسب علم و ادب داشت نمی توان منکر استعداد و توانایی ذاتی او در بدیبه گویی شد . گفته شده که روزی مردی نزد ابونواس آمد و به او گفت: ای ابونواس چه زمانی قصد مردن داری ؟ ابونواس گفت : علت این پرسش چیست ؟ مرد پاسخ داد ، پدرم سه ماه پیش دار فانی را وداع گفته و من می خواهم که نامه ای توسط تو به او بفرستم . ابونواس نگاهی معنادار به مرد

انداخت و گفت : متأسفانه مقصد من جهنم نیست بهتر است نامه ات را با شخص دیگری بفرستی !!  
مرد خجل شد و سرافکنده رفت . ( همان ، ص ۳۷ )

روزی ابوالعتاهیه ابونواس را دید و به او گفت : تو همانی نیستی که فقط در باغ و بین گل ها و بلبل ها شعر می گوید؟! ابونواس پاسخ داد : اگر غیر از این باشد پس کجا و چگونه باید شعر گفت؟! ابوالعتاهیه با قاطعیت گفت : من در مستراح هم شعر می گویم . ابونواس در جواب گفت : پس به همین دلیل است که از آن رایحه ای خاص استشمام می شود .

وی ، نهایتاً بعد از گذارن دوران نوجوانی و جوانی در ۵۹ سالگی از دنیا رفت. در مورد تاریخ وفات وی نیز بین مورخان اختلاف نظر وجود دارد اما بنا بر عقیده ابن خلکان ممکن است در سال ۱۹۵ یا ۱۹۶ یا ۱۹۸ هـ ق از دنیا رفته باشد (ابن خلکان ، ج ۱ ص ۳۷۳ ) و ابن منظور هم عنوان کرده که علت مرگش شعری فاسق بوده که به سببش در زندان محبوس و بعدها نیز از دنیا رفته است .  
( ابن منظور، ۱۹۹۳م، ص ۷۹ )

#### ۱-۵. آشنایی ابونواس با والبة بن حباب

همان طور که در بخش پیشین از ابونواس و علاقه اش به علم و ادب یاد کردیم و به اساتیدی که در علوم مختلف داشت اشاره ای مختصر نمودیم اکنون از والبة بن حباب که تأثیر به سزایی در تکوین شخصیت مجونی و فاسد ابونواس داشته است ، یاد می نمایم.

درباره آشنایی این دو با هم اقوال و روایات متفاوت و گاهی متناقض به چشم می خورد . ابن منظور معتقد است هنگامی که والبة از اهواز به بصره آمده بود تا ، ابا بجیر الاسدی « کارگزار منصور» را در ابیاتی چند ، مدح کند ( زیدان ، ۱۹۹۲م ، ج ۲ ، ص ۶۰ ) به طور اتفاقی گذرش به بازار عطاران افتاد . آنجا بود که « حسن بن هانی » را دید و شیفته زیبایی او شد طوری که نزدیک بود عقل از

سرش ببرد . این بود که وی را که سن کمی هم داشت با خود به اهواز و سپس به کوفه منتقل کرد (شلق، ۱۹۶۴م، ص ۴۴) برخی نیز بر این عقیده اند که ابونواس قبل از آشنایی با والبة وی را به خوبی می شناخته و شیفته افکار و اشعار وی بوده است . و حتی از قول خود ابونواس گفته اند که قصد داشته برای دیدار والبة و شنیدن اشعار وی به کوفه برود (ابن منظور، ۱۹۹۰م، ص ۱۴-۱۵) به هر حال آغاز آشنایی ابونواس با والبة را حدوداً ۱۲-۱۰ سالگی وی تخمین زده اند . از دوران زندگی ابونواس به همراه والبة در کوفه جز انبوهی از روایات آمیخته با افسانه که همگی حاکی از بی بند و باری و روابط آلوده والبة با ابونواس است چیزی در دست نیست . اما باید گفت که اقامت شاعر در کوفه زیاد به طول نینجامید ولی مسلماً همین مدت کوتاه تأثیر زیادی در زندگی و شخصیت وی داشته و منشأ گرایش وی به مجون و هرزگی بوده است . ابونواس مدتی را با والبة سپری کرد و پس از شکوفا شدن قریحه شاعریش ، والبة از او خواست تا برای آشنایی بیشتر با زبان اصیل عربی نزد بدویان برود ، ابونواس هم به همراه گروهی از بنی اسد به بادیه رفت و مدت یکسال در میان بدویان به سر برد (همان، ص ۱۶-۲۰)

#### ۱-۶. ابونواس و خلفای عباسی

ابونواس پس از گذراندن روزهای سخت در بصره که البته برای کسب علم و دانش بود و پس از آنکه شهرت خوبی در شعر و شاعری به دست آورد ، به کوفه نزد خلفای عباسی بازگشت و به زندگی پر مشقت خود پایان داد.

وی مدتی که در کوفه بود توانست به دربار خلفایی چون هارون الرشید و امین و خصیب که والی مصر بود راه یابد و از طریق این نزدیکی ثروت فراوانی بدست آورد که آن گونه که در بخش زندگی